

بررسی مقایسه‌ای هویت ورزشی هندبالیست‌های لیگ حرفه‌ای ایران و رفتار رهبری مربیان بر اساس عملکرد تیمی

مهرعلی همتی‌نژاد^۱، شهرام شفیعی کوردشولی^۲، مهدی حاجی‌آبادی^{۳*}

استاد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

استادیار مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه گیلان

تاریخ دریافت: (۹۳/۰۷/۰۳) تاریخ پذیرش: (۹۴/۰۶/۱۰)

comparative study of athletic identity of Iranian Super League Handball players and leading behavior of their coaches based on team performance

Mehr Ali Hematinezhad¹, Shahram Shafiee kordshooli², Mehdi Hajiabadi^{3*}

Professor in Sport Management, Guilan University

Assistant Professor in Sport Management, Guilan University

M.A. in Sport Management, Guilan University

Received: (25 Sep 2014)

Accepted: (01 Sep 2015)

Abstract

The purpose of this study was to compare athletic identity of Iranian Super League Handball players and leading behavior of their coaches based on team performance. The statistical society includes all the players in handball Super League (n=144). The survey's materials were questionnaires of LSS (conduct scale) of Chelladurai and Saleh (1980) with five behavioral modes and athletic identity questionnaires (AIMS Plus) of Cieslak (2004) with five factors identity with reliability of (93%) and (89%) respectively. For evaluation of the performance of teams, final chart of league based on points difference and ranks of teams were also divided into three parts. The first three teams have been considered as successful teams, the next three teams as less successful teams, and the last three teams as unsuccessful teams. For analyzing the data, and determining the kind of data distribution through kolmogrov-smirnov tests, ANOVA and Gabriel post hoc test, Kruskal-Wallis H and Mann-Whitney U tracing measuring and SPSS (ver 20) software have been used. ($p \leq 0/05$). Results of comparing coaches' leadership styles among successful, less successful and unsuccessful teams showed that training and instruction leadership styles, social support style, positive feedback style and democratic style among the coaches of successful, less successful and unsuccessful had significant differences ($p < 0/05$). Using these styles among the coaches of successful teams was significantly more than coaches of less successful and unsuccessful teams. While, these differences on autocratic leadership style was not significant. comparing exercise identity and its sub-scales among successful, less successful and unsuccessful teams' players also showed significant differences for which this difference were was exercise identity and sub-scales of social identity, exclusivity and self-identity ($p < 0/05$). According to the research findings, it seems that coaches can step fundamental paces in stability of exercise identity of strong athletes and pave the ways for their successes through knowledge of proper behaviors during training and instructing

Keywords

Athletic identity, Leadership, Performance, Super League, Handball, Iran

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی مقایسه‌ای هویت ورزشی هندبالیست‌های لیگ برتر ایران و رفتار رهبری مربیان بر اساس عملکرد تیمی بود. نمونه آماری برابر با جامعه آماری شامل کلیه بازیکنان شاغل در لیگ برتر هندبال ایران در نظر گرفته شد (N=144). برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه مقیاس رهبری در ورزش (LSS) چلادورای و صالح (۱۹۸۰) با پنج سبک رفتاری و پرسشنامه هویت ورزشی (AIMS Plus) چسلاک (۲۰۰۴) با پنج خرده مقیاس هویت به ترتیب با ثبات درونی (۰/۹۳) و (۰/۸۹) استفاده شد. همچنین به منظور ارزیابی عملکرد تیم‌ها، جدول نهایی لیگ بر اساس فاصله امتیازات و رتبه بندی تیم‌ها به سه عملکرد متفاوت تقسیم شد. سه تیم اول به عنوان تیم‌های موفق، سه تیم بعدی به عنوان تیم‌های کمتر موفق و سه تیم آخر نیز تیم‌های ناموفق در نظر گرفته شدند. پس از تعیین نوع توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگراف-اسمیرنوف، برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، از آزمون‌های آماری آنوای یکطرفه با آزمون تعقیبی گابریل، کروسکال-والیس و یومن-ویتنی در نرم افزار (۲۰) SPSS استفاده شد. نتایج مقایسه سبک‌های رهبری مربیان در بین تیم‌ها با عملکرد متفاوت نشان داد سبک‌های رهبری آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت و دموکراتیک در بین مربیان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی‌داری است ($P < 0/05$) و استفاده این سبک‌ها در بین مربیان تیم‌های موفق به طور معنی‌داری بیشتر از مربیان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق بود. در حالی که این تفاوت در سبک رهبری آمرانه معنی‌دار نبود. همچنین مقایسه هویت ورزشی و خرده مقیاس‌های آن در بین بازیکنان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری را نشان داد که این تفاوت در هویت ورزشی و خرده مقیاس‌های هویت اجتماعی، انحصارگرایی و هویت خود بود ($P < 0/05$). براساس یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد مربیان می‌توانند با آگاهی از جنبه‌های رفتاری مطلوب در حین تمرین و آموزش، گام اساسی در حفظ و ثبات هویت ورزشی قوی ورزشکاران بردارند و زمینه را برای موفقیت آن‌ها و تیم فراهم آورند.

واژه‌های کلیدی

هویت ورزشی، رهبری، عملکرد، لیگ برتر، هندبال، ایران.

* نویسنده مسئول: مهدی حاجی‌آبادی

E-mail: m_hajiabadi89@Yahoo.com

*Corresponding Author: Mehdi Hajiabadi

مقدمه

اهمیتی که روانشناسان اخیراً برای نقش مسائل روانشناختی در بهبود توانایی‌های ورزشکاران قائل شده‌اند، در چند سال گذشته بی‌سابقه بوده است. امروزه با افزایش سرمایه‌گذاری در ورزش حرفه‌ای، بهبود عملکرد ورزشی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و روانشناسان ورزشی معتقدند متغیرهای روانشناختی ورزشکاران نقشی کلیدی در عملکرد فردی و تیمی ایفاء می‌کند (طالبی و همکاران، ۱۳۹۱ ص ۷۸-۶۳). آن‌ها معتقدند مربیان نباید تنها به اجرای مهارت ورزشی توجه کنند، بلکه باید مهارت‌های روانی افراد و تیم را در نظر داشته باشند. زیرا مهم‌ترین عامل موفقیت هر مربی این است که بتواند به ورزشکاران در بهبود دامنه وسیعی از مهارت‌ها و توسعه آن‌ها، به ویژه در ابعاد جسمانی، تکنیکی، تاکتیکی و مهم‌تر از همه روان‌شناختی کمک کند. برای اینکه مربی بتواند کار خود را به نحو مناسبی انجام دهد، ضروری است که ویژگی‌های روحی و روانی ورزشکار خود را مدنظر قرار داده و به آن‌ها جهت خاصی دهد. این رفتار مربی می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در موفقیت ورزشکاران در صحنه‌های ورزشی داشته باشد (حسینی نوری و همکاران، ۱۳۹۱ ص ۱۹۰-۱۷۵). ورزشکاران هم باید از ابعاد مختلف تمرینی در راستای بهبود کیفیت عملکرد خود بکوشند و مربیان نیز در این زمینه همراه و همکار خوبی برای آن‌ها محسوب می‌شوند. ورزشکاران معمولاً در زمینه‌های جسمانی نسبت به سایر زمینه‌ها آشنائی بیشتری دارند و از ابعاد مهارتی و روانی غافل می‌شوند. این درحالی است که اجرای تکنیک بهتر که منجر به موفقیت بیشتر می‌شود، منوط به توجه ویژه به مؤلفه‌های روانی مثبت ورزشکار است. مؤلفه‌های روانی مثبت نیز بر اجرا و افزایش انرژی روانی مثبت کمک کننده می‌باشد (هادیان، ۱۳۹۱).

در سال‌های اخیر، برخی از پژوهشگران تأثیر عوامل روانشناختی بر عملکرد تیمی را مورد بررسی قرار داده و نظریه‌ها و مدل‌های مختلفی را ارائه داده‌اند. تقریباً اکثر پژوهش‌ها فاکتورها و عوامل یکسانی را گزارش کرده‌اند که عملکرد تیمی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در این بین، مطالعات افرادی مانند چلادورای، کارن، هورن و اسپینک در دو دهه گذشته درخور توجه بوده است. (حسینی کشتیان و همکاران، ۱۳۸۹ ص ۱۲۶-۱۰۹). با در نظر گرفتن مدل‌ها و نظریات گذشته می‌توان عوامل مؤثر بر عملکرد و موفقیت تیمی را در قالب سه متغیر رفتار مربیان، عوامل تیمی و ویژگی‌های بازیکنان جمع بندی کرد، که در این پژوهش هویت ورزشی به عنوان یکی از

مهمترین ویژگی‌های روانشناختی ورزشکاران و همچنین رفتار رهبری مربیان مورد بررسی قرار گرفته است (روناین ۱، ۲۰۰۴). پژوهشگرانی که تأثیرات عوامل روانشناختی بر فعالیت ورزشی را بررسی کردند و به پیشرفت مشارکت کنندگان در برنامه‌های ورزش و تمرین علاقه دارند، اغلب بر خود پنداره یا هویت ورزشکاران تمرکز کرده‌اند (گیل ۲، ترجمه خواجوند، ۱۳۸۲). هویت یکی از عوامل مهم روانی در ورزشکاران به حساب می‌آید (دنیش ۳، ۱۹۸۳ ص ۲۳۰-۲۲۱). اریکسون ۴ (۱۹۶۸) هویت را افتراق و تمیزی که فرد بین خود و دیگران می‌گذارد تعریف می‌کند. از دید او هویت یک سازه روانی اجتماعی است که شامل طرز فکر، عقاید فرد و نحوه ارتباط او با دیگران می‌شود. به گفته اریکسون، هویت ما با هر اطلاعات جدیدی که در تعاملات روزانه خود با دیگران به دست می‌آوریم، دائماً تغییر می‌کند. هویت انواع متفاوتی دارد که می‌توان از انواع آن به هویت فردی (شخصی)، هویت خانوادگی، هویت ملی، هویت دینی، هویت اجتماعی، هویت فرهنگی و هویت ورزشی اشاره کرد (اریکسون، ۱۹۹۴). از انواع هویت‌هایی که مورد مطالعه محققان قرار گرفته، هویت ورزشی از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است و شواهد این مورد را می‌توان، در حجم مطالعاتی مشاهده کرد که هویت ورزشکاران را به عنوان متغیر اصلی بکار گرفته‌اند (چزلاک ۵، ۲۰۰۴).

برور ۶ (۱۹۹۳) هویت ورزشی را میزان قدرت و درجه‌ای که فرد خود را به عنوان ورزشکار شناسایی می‌کند و به مشارکت ورزشی خود متعهد می‌شود تعریف کرده است (برور و همکاران، ۱۹۹۳). فردی با یک هویت ورزشی قوی یک «دیاگرام خود ورزشی» دارد و اطلاعات را از چشم‌انداز ورزشی پردازش می‌کند. برای مثال افرادی با هویت ورزشی قوی ممکن است راجع به نحوه عادت‌های خوردن و خوابیدن مؤثر بر عملکرد بیاندیشند (گیل، ترجمه خواجوندی، ۱۳۸۲). همچنین هویت ورزشی قوی می‌تواند انگیزش مورد نیاز جهت حضور مداوم و منظم ورزشکار در تمرینات و همچنین موفقیت در سطوح بالای ورزشی را منجر شود. این امر می‌تواند مبین این موضوع باشد که هویت ورزشی قوی، دارای تأثیرات مثبت بر عملکرد و

- 1- Ronayne
- 2- Gill
- 3- Danish
- 4- Erikson
- 5- Cieslak
- 6- Brewer

بالای ورزشی نیاز اساسی به هویت ورزشی قوی است. در حالی که هردن و کریستین (۲۰۱۰) نظری مخالف داشتند و معتقد بودند بین هویت ورزشی و عملکرد تفاوت معنی داری وجود ندارد.

همانطور که بیان شد، شیوه رهبری درست می تواند بازیکنان را برانگیزاند و عملکرد آن ها را بهبود بخشد. در همین ارتباط چلادورای و صالح (۱۹۸۰) برای رفتار رهبری مربی در موقعیت های ورزشی، پنج سبک رهبری آموزش و تمرین ۶، سبک دموکراتیک ۷، سبک آمرانه ۸، سبک حمایت اجتماعی ۹، سبک بازخورد مثبت ۱۰ را شناسایی کردند. سبک آموزش و تمرین، رفتاری است برای بهبود عملکرد ورزشکاران از طریق آموزش تکنیک ها و در ورزش های تیمی به هماهنگ کردن فعالیت های اعضای تیم اطلاق می شود. در رفتار بازخورد مثبت، مربی ورزشکاران را مورد تقدیر قرار می دهد و از بازی آن ها تعریف می کند. سبک حمایت اجتماعی، رفتاری است که با نیازهای اجتماعی ورزشکاران سر و کار دارد و مربی با استفاده از آن برای ارضاء نیازهای متقابل شخصی ورزشکاران تلاش می کند. در رفتار دموکراتیک، مربی به ورزشکاران اجازه می دهد در تصمیم گیری های مربوط به تعیین اهداف گروهی و روش دستیابی به آن ها مشارکت کنند و نظر بازیکنان را در مورد روش بازی و تمرین و موضوعات مهم مربیگری جویا می شود. در مقابل رفتار دموکراتیک، سبک آمرانه رفتاری است که مربی هرگز بازیکنان را در تصمیم گیری ها و مسائل تیم دخالت نمی دهد و بازیکنان باید دستورات مربی را اجرا کنند (چلادورای، ۱۹۸۰ ص ۳۴-۳۵). به دلیل اهمیت نقشی که رفتارهای رهبری مربیان بر فرآیندهای روانی و عملکردی ورزشکاران دارد، روانشناسان ورزشی به مطالعه پیامدهای این رفتارها علاقه مند شده اند (تهامی و همکاران، ۱۳۸۹ ص ۴۲-۲۵).

در زمینه کارآمدی مربیان، پژوهش هایی که در دو دهه اخیر انجام شده اند، بر ویژگی ها و الگوی رفتاری مربیان تمرکز کرده اند و در پی آن بوده اند که الگوهای رفتاری کارآمد را شناسایی کنند. در کل، این پژوهش ها یک مربی کارآمد را فردی می دانند که ورزشکارانشان با بروز واکنش های مثبت

موفقیت ورزشی، سلامتی، آمادگی و عزت نفس ورزشکار است (استفان و برور، ۲۰۰۷ ص ۷۹-۶۷).

بی تردید نقش مربیان به عنوان رهبر تیم که وظیفه هدایت بازیکنان را بر عهده دارند، در این زمینه ها نقشی کلیدی است (مرادی، ۱۳۸۵ ص ۱۶-۵). معمولاً یکی از صفات برجسته ای که تیم های موفق ورزشی را از تیم های ناموفق متمایز می سازد، مدیریت و رهبری مؤثر، فعال و شایسته مربی آن تیم است (نظریان و مختاری، ۱۳۹۳ ص ۱۲۶-۱۱۵). مربیان به عنوان یکی از ارکان اساسی شکل گیری و پیشرفت هر تیمی مورد توجه بوده اند و از نقش مهم آنان در عملکرد بازیکنان نمی توان چشم پوشی کرد (مرادی ۱۳۸۵).

امروزه کسب موفقیت در ورزش، به عنوان هدف اصلی مربیان و ورزشکاران نخبه محسوب می شود (استفان و برور، ۲۰۰۷). بر اساس نظر چزلاک (۲۰۰۴)، مربیان تیم های ورزشی همواره نسبت به اثرگذاری سایر هویت های نقش بر عملکرد ورزشکارانشان به ویژه در شرایط حساس نگرانند. همچنین تحقیقات بسیاری نشان می دهد که داشتن یک هویت ورزشی قوی برای موفقیت در سطوح بالای ورزشی ضروری است. به عنوان مثال دنیس (۱۹۸۳) بیان می کند که هویت ورزشی بالا باعث تعهد و تمرین بیشتر، اثرات مثبت روی عملکرد ورزشکار، پیشرفت ارتباطات اجتماعی و تمرکز بر روی اهداف مرتبط با ورزش می شود. همچنین او اظهار می دارد، هویت ورزشی بالا می تواند انگیزه و نظم لازم برای شدت تمرین بیشتر و موفقیت در سطوح بالای ورزشی را فراهم کند. بایسدن و همکاران (۱۹۹۷) رابطه بین هویت ورزشی و متغیرهای انگیزشی تحلیل رفتگی، هدف گرایی و تعهد را در ۱۰۰ ورزشکار رشته های ورزشی فوتبال و کشتی مورد بررسی قرار دادند. بر اساس نتایج تحقیق آنان، میان هویت ورزشی به ترتیب با انگیزه های آمادگی، رقابتی، هدف گرایی، رقابت جویی و موفقیت در طول فصل رابطه وجود دارد.

همچنین استفان و برور (۲۰۰۷) معتقدند هویت ورزشی قوی می تواند موفقیت در سطوح بالای ورزشی را متجر شود. مطالعات هادیان و همکاران (۲۰۱۲) روی سه تیم برتر رقابت های قهرمانی والیبال آسیا و جیمز و همکاران (۲۰۱۰) بر روی دانشجویان ورزشکار نشان دادند برای موفقیت در سطح

4- Heerden & Kirsten

5- Chelladurai & Saleh

6- Training & Instruction style

7- Democratic style

8- Autocratic style

9- Social support style

10- Positive feedback style

1- Stephan & Brewer

2- Baysden & et al

3- James & et al

عرصه ورزش به نتایج نامطلوبی دست پیدا می‌کند، به چه میزان عواطف منفی را تجربه می‌کند. تأثیرپذیری مثبت هم بر احساسات مثبت فرد در پاسخ به نتایج مطلوب مشارکت ورزشی دلالت دارد (چزلاک، ۲۰۰۴).

همانگونه که عنوان شد، ورزشکاران زمانی می‌توانند عملکرد خوبی را از خود به نمایش بگذارند که از نظر روانی نیز آمادگی مطلوب داشته باشند. به عبارت دیگر، موفقیت در مسابقات مستلزم نه تنها آمادگی جسمانی، بلکه آمادگی روانی ورزشکاران است. بنابراین در نظر گرفتن مهارت‌های فنی ورزشکاران نخبه همراه با توجه مضاعف به مؤلفه‌های اجتماعی و روانی آنها، ضمن تضمین بیشتر احتمال موفقیت، مسئله‌ای است که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. برای اینکه مربی بتواند کارش را به نحو مناسب و مطلوبی انجام دهد، ضروری است که ویژگی‌های روحی و روانی ورزشکار خویش را مدنظر قرار داده و به آنها جهت خاصی دهد. این رفتار مربی می‌تواند تأثیر بسیار زیادی در موفقیت ورزشکاران در صحنه‌های ورزشی داشته باشد.

بنابراین با توجه به جایگاه مهم هویت ورزشی ورزشکاران و رفتار رهبری مربیان و اثرات بسیار مهمی که این دو مؤلفه می‌توانند بر جنبه‌های عملکردی و روانی ورزشکاران داشته باشند و اینکه در پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه به تأثیرپذیری عملکرد ورزشی به عنوان یک پیامد از هویت ورزشی ورزشکاران و رفتار رهبری مربیان کمتر توجه شده، پی بردن به این مسأله که هر یک از این دو متغیر چه تأثیری را می‌توانند بر عملکرد تیم‌های ورزشی لیگ برتر هندبال کشور بگذارند، ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند کمک بسیار شایانی به مربیان هندبال کشورمان نماید تا با آگاهی از میزان تأثیرگذاری هر یک از مؤلفه‌های این دو متغیر بر عملکرد هندبالیست‌ها، تمایل آنها را برای درگیری در سطوح بالای ورزشی، با انگیزه و شدت تمرین بیشتر تشخیص دهند. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند برای همه مربیانی که تغییر رفتار و مدیریتشان ممکن است بر عوامل موثر بر بهبود عملکرد ورزشکار در همه سطوح اثرگذار باشد، مورد استفاده قرار گیرد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه بازیکنان لیگ برتر هندبال کشور در سال (۱۳۹۱) که ۱۶۰ نفر در ۱۰ تیم بودند در نظر گرفته شد، اما به علت انصراف یک تیم در نیم‌فصل دوم مسابقات، جامعه آماری به ۹ تیم ۱۴۴ نفر کاهش یافت. در این پژوهش به دلیل محدود

روانی، عملکرد و نتایج موفقیت آمیزی خواهند داشت. هورن ۱ در سال (۲۰۰۲) یک سری از عواملی را که متأثر از رفتار مربیان و سبک مربی‌گری آنها عملکرد ورزشکاران را تحت تأثیر قرار می‌دهند معرفی کرده است که شامل: انگیزش درونی ورزشکاران، ادراک از رقابت، جهت‌دهی اهداف و همچنین اضطراب رقابتی هستند (حسینی کشتیان و همکاران، ۱۳۸۹). در زمینه تأثیر رفتار رهبری مربیان بر عملکرد و موفقیت تیمی، بوچرا (۲۰۰۳) نیز در پژوهشی به بررسی سبک رهبری مربیان زن دانشگاهی هاکی روی چمن پرداخت و نشان داد مربیان موفق از رفتار بازخورد مثبت و حمایت اجتماعی بیشتر استفاده می‌کردند. مرادی (۱۳۸۵) در پژوهشی روی تیم‌های لیگ برتر بسکتبال کشور تفاوت معنی‌داری را بین سبک مربی‌گری مربیان موفق و ناموفق مشاهده کردند.

نتایج پژوهش حسینی کشتان و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد مربیان تیم‌های موفق از رفتار آموزش و تمرین و حمایت اجتماعی بیشتر از مربیان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق استفاده می‌کردند. همچنین پژوهش طالبی (۱۳۹۱) نشان داد فقط رفتارهای رهبری آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت قادر به پیش‌بینی عملکرد تیمی است؛ بنابراین یافته‌های این پژوهش‌ها اهمیت رفتار رهبری مربی در تبیین عملکرد تیمی را تأیید می‌کند.

چزلاک (۲۰۰۴) مدل پیشرفته‌ای را به عنوان شاخص تعیین هویت ورزشی معرفی کرده، که شامل دو مؤلفه بیرونی (انحصارگرایی، ۳، هویت اجتماعی، ۴) و درونی (هویت خود، ۵، تأثیرپذیری منفی، ۶، تأثیرپذیری مثبت، ۷) می‌باشد و در پژوهش حاضر به عنوان مدلی پایه مورد استفاده قرار گرفته است. هویت اجتماعی، آگاهی اجتماعی فرد در ارتباط با نقش خود به عنوان یک ورزشکار است و انحصارگرایی به اهمیت نقش ورزشکار در مقایسه با سایر فعالیت‌های روزمره اشاره دارد (برور و همکاران، ۱۹۹۳). هویت خود میزان آگاهی و ادراک فرد در ارتباط با نقش خود به عنوان یک ورزشکار است. این مؤلفه مربوط به این است که فرد خودش را به عنوان یک ورزشکار چگونه می‌بیند و آن شامل نگرش‌ها، اعتقادات و احساسات فرد در مورد فعالیت ورزشی‌اش است. تأثیرپذیری منفی زمانی است که فرد در

- 1- Horn
- 2- Bucher
- 3- Exclusivity
- 4- Social Identity
- 5- Self-identity
- 6- Negative Affectivity
- 7- Positive Affectivity

پرسشنامه به طور کامل تکمیل و دریافت شد. پس از بررسی نوع توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگراف-اسمیرنوف، از آزمون‌های آماری آنوای یکطرفه با آزمون تعقیبی گابریل، کروسکالوالیس و یومن ویتنی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات خام در سطح ($P \leq 0/05$) استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

بررسی ویژگی‌های دموگرافیک نشان داد که دامنه سنی بازیکنان بین ۱۸ تا ۳۸ سال ($M \pm SD = 25/99 \pm 4/76$) و سابقه فعالیت ورزش حرفه‌ای بازیکنان بین ۴ تا ۲۵ سال ($M \pm SD = 12/16 \pm 4/74$) بود. میانگین نمره هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های موفق ($185/33$)، کمتر موفق ($180/92$)، ناموفق ($166/11$) محاسبه شد. به وسیله آزمون کلموگراف-اسمیرنوف، فرض طبیعی بودن توزیع داده‌ها در رفتارهای رهبری مربیان به ترتیب با سطح معنی‌داری آموزش تمرین ($Sig: 0/246$)، حمایت اجتماعی ($Sig: 0/065$)، بازخورد مثبت ($Sig: 0/192$)، آمرانه ($Sig: 0/110$)، دموکراتیک ($Sig: 0/265$) تأیید و در هویت ورزشی به ترتیب با سطح معنی‌داری هویت اجتماعی ($Sig: 0/024$)، انحصارگرایی ($Sig: 0/001$)، هویت خود ($Sig: 0/001$)، تأثیرپذیری مثبت ($Sig: 0/001$)، تأثیرپذیری منفی ($Sig: 0/005$)، هویت ورزشی ($Sig: 0/026$) رد شد، به همین دلیل برای تجزیه تحلیل استنباطی داده‌های رفتار رهبری مربیان از آزمون‌های پارامتریک و برای تجزیه تحلیل داده‌های هویت ورزشی از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شد. نتایج آزمون آنوای یکطرفه (جدول-۱)، نشان داد که از رفتارهای رهبری مربیان، رفتار آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت و رفتار دموکراتیک در بین مربیان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی‌داری است و تنها در رفتار رهبری آمرانه مربیان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

بودن جامعه آماری، نمونه برابر با جامعه در نظر گرفته شد. برای ارزیابی عملکرد تیم‌ها، آن‌ها بر اساس امتیازات و موفقیت در جدول یک هفته مانده به پایان لیگ، به سه دسته تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق تقسیم شدند. سه تیم اول به عنوان تیم‌های موفق، سه تیم بعدی به عنوان تیم‌های کمتر موفق، و سه تیم آخر تیم‌های ناموفق در نظر گرفته شدند. برای ارزیابی هویت ورزشی بازیکنان از پرسشنامه ۲۲ گزینه‌ای هویت ورزشی چزلاک (۲۰۰۴) استفاده شد. این پرسشنامه از پنج خرده مقیاس هویت اجتماعی (۵ گزینه)، انحصارگرایی (۵ گزینه)، هویت خود (۴ گزینه)، تأثیر پذیری منفی (۴ گزینه) و تأثیر پذیری مثبت (۴ گزینه) تشکیل شده است. ضمناً در این پرسشنامه از یک مقیاس ۱۰ ارزشی (= کاملاً مخالف تا ۱۰ = کاملاً موافق) برای کمی سازی آن استفاده شد. با توجه به نورم تعیین شده در مقیاس اندازه‌گیری هویت ورزشی، نمره بین ۰ تا ۷۳ به عنوان هویت ورزشی پایین، ۷۴ تا ۱۴۶ هویت ورزشی متوسط و نمره ۱۴۷ تا ۲۲۰ به عنوان هویت ورزشی بالا در نظر گرفته می‌شود. روایی این ابزار توسط چندین متخصص تربیت بدنی و جامعه شناسی مورد تأیید قرار گرفت. شجیع (۱۳۸۹) و توکلی (۱۳۹۰) در پژوهش‌های خود به ترتیب ثبات درونی این مقیاس را با آلفای کرونباخ $I = 0/89$ و $I = 0/87$ گزارش کردند. ثبات درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/89$ محاسبه شد. همچنین در این پژوهش برای ارزیابی رفتار رهبری مربیان از پرسشنامه مقیاس رهبری در ورزش (LSS) ۱ چلادورای و صالح (۱۹۸۰) که بر اساس مدل چندبعدی رهبری در ورزش برای بررسی و مطالعه رفتار مربیان در موقعیت‌های ورزشی تهیه شده است، استفاده شد. این ابزار، در قالب ۴۰ سؤال، رفتار رهبری مربیان را در پنج بعد سبک آموزش و تمرین، آمرانه، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت از دیدگاه ورزشکاران ارزیابی می‌کند. ثبات درونی این پرسشنامه را محققان $I = 0/75$ گزارش کردند (چلادورای و صالح، ۱۹۸۰). حسینی (۱۳۸۹) و وحدانی (۱۳۹۱) نیز ثبات درونی این پرسشنامه را به ترتیب $I = 0/91$ ، $I = 0/82$ اعلام کردند. ثبات درونی این پرسشنامه در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/93$ محاسبه شد.

پرسشنامه‌ها در اختیار تمامی بازیکنان هر ۹ تیم حاضر در لیگ قرار گرفت. در نهایت از تعداد ۱۴۴ پرسشنامه توزیع شده؛ ۱۲۹

جدول ۱. نتایج آزمون آنوای یک طرفه برای مقایسه سبک‌های رهبری مربیان در بین تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق

سبک رهبری	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	Mean) (square مجذورات میانگین	(F)	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
آموزش و تمرین	تیم‌های موفق	۳/۹۵	۰/۶۱	۴/۶۷۵	۱۱/۴۵۰	۲	* /۰۰۱
	تیم‌های کمتر موفق	۳/۴۳	۰/۷۴				
	تیم‌های ناموفق	۳/۳۵	۰/۵۲				
حمایت اجتماعی	تیم‌های موفق	۳/۷۸	۰/۵۸	۵/۷۹۲	۱۲/۳۰۲	۲	* /۰۰۱
	تیم‌های کمتر موفق	۳/۰۹	۰/۷۷				
	تیم‌های ناموفق	۳/۲۶	۰/۶۸				
بازخورد مثبت	تیم‌های موفق	۳/۷۷	۰/۷۶	۹/۲۶۱	۱۱/۷۴۵	۲	* /۰۰۱
	تیم‌های کمتر موفق	۲/۸۷	۱/۱۳				
	تیم‌های ناموفق	۳/۲۲	۰/۶۶				
آمرانه	تیم‌های موفق	۳/۰۲	۰/۵۵	۰/۱۲۴	۰/۲۸۴	۲	۰/۷۵۳
	تیم‌های کمتر موفق	۳/۱۲	۰/۷۲				
	تیم‌های ناموفق	۳/۰۸	۰/۷۰				
دموکراتیک	تیم‌های موفق	۳/۲۷	۰/۷۳	۵/۴۵۵	۵/۴۵۵	۲	* /۰۰۵
	تیم‌های کمتر موفق	۲/۷۹	۰/۸۴				
	تیم‌های ناموفق	۲/۷۵	۰/۸۷				

* تفاوت معنی‌داری در سطح $P < 0.05$

نتایج مقایسه زوجی ابعاد مختلف رفتار رهبری مربیان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق از طریق آزمون گابریل (جدول ۲)، نشان داد که هر چهار رفتار آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت و دموکراتیک در میان مربیان تیم‌های موفق با مربیان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی‌داری است، در صورتی که این سبک‌ها در بین مربیان تیم‌های کمتر موفق با مربیان تیم‌های ناموفق دارای تفاوت معنی‌داری نمی‌باشند.

جدول ۲. نتایج آزمون تعقیبی گابریل برای مقایسه زوجی ابعاد مختلف سبک‌های رهبری مربیان در بین تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق هندبال لیگ برتر ایران

سبک رهبری	مقایسه	گروه‌ها	اختلاف میانگین	سطح معنی‌داری
آموزش و تمرین	موفق	کمتر موفق	۰/۵۲۳	* /۰۰۱
	کمتر موفق	ناموفق	۰/۶۰۳	* /۰۰۱
حمایت اجتماعی	موفق	کمتر موفق	۰/۶۹۰	* /۰۰۱
	کمتر موفق	ناموفق	۰/۵۲۲	* /۰۰۲
	ناموفق	ناموفق	۰/۱۶۸	۰/۵۹۹

بازخورد مثبت	موفق	کمتر موفق	۰/۸۹۹	۰/۰۰۱*
	موفق	ناموفق	۰/۵۵۷	۰/۰۰۲*
	کمتر موفق	ناموفق	۰/۰۸۰	۰/۲۴۷
دموکراتیک	موفق	کمتر موفق	۰/۴۸۲	۰/۰۱۸*
	موفق	ناموفق	۰/۵۱۸	۰/۰۱۳*
	کمتر موفق	ناموفق	۰/۰۳۵	۰/۹۹۶

* تفاوت معنی داری در سطح $P < 0.05$

نتایج آزمون کروسکال والیس (جدول-۳)، نشان داد که هویت ورزشی و خرده مقیاس های هویت اجتماعی، انحصارگرایی و هویت خود در بین بازیکنان تیم های موفق، کمتر موفق و ناموفق دارای تفاوت معنی دار است، درحالی که خرده مقیاس

جدول ۳. نتایج آزمون کروسکالوالیس برای مقایسه خرده مقیاس های هویت ورزشی بازیکنان در میان تیم های موفق، کمتر موفق و ناموفق هندبال لیگ برتر ایران

خرده مقیاس ها	عملکرد تیم ها	میانگین رتبه	خی دو	درجه آزادی	سطح معنی داری
هویت اجتماعی	موفق کمتر موفق ناموفق	۷۶/۱۰ ۶۰/۰۰ ۵۷/۹۶	۶/۱۷	۲	۰/۰۴۶*
هویت انحصارگرایی	موفق کمتر موفق ناموفق	۷۳/۳۹ ۷۱/۳۲ ۴۸/۲۶	۱۱/۳۱	۲	۰/۰۰۳*
هویت خود	موفق کمتر موفق ناموفق	۶۸/۸۳ ۷۳/۲۷ ۵۱/۰۴	۸/۱۶	۲	۰/۰۱۷*
هویت تأثیرپذیری منفی	موفق کمتر موفق ناموفق	۶۷/۴۱ ۶۸/۴۶ ۵۸/۳۳	۱/۸۷	۲	۰/۳۹۲
هویت تأثیرپذیری مثبت	موفق کمتر موفق ناموفق	۶۹/۵۶ ۶۷/۹۱ ۵۶/۳۸	۳/۰۷	۲	۰/۲۱۵
هویت ورزشی کل	موفق کمتر موفق ناموفق	۷۳/۴۲ ۶۸/۴۹ ۵۱/۲۶	۷/۹۴	۲	۰/۰۱*

* تفاوت معنی داری در سطح $P < 0.05$

نتایج آزمون یومن ویتنی (جدول ۴)، نشان داد که میزان هویت ورزشی در بین بازیکنان تیم های موفق و کمتر موفق از بازیکنان تیم های ناموفق به طور معنی-داری بیشتر بوده ولی تفاوت معنی داری بین هویت ورزشی بازیکنان تیم های موفق و کمتر موفق مشاهده نشد. همچنین نتایج بر روی خرده

مقیاس های هویت ورزشی در بین تیم های موفق، کمتر موفق و ناموفق بازیکنان نشان می دهد که تفاوت معنی داری در هویت اجتماعی تیم های موفق با تیم های کمتر موفق و ناموفق وجود دارد، درحالی که این تفاوت در بین تیم های کمتر موفق و ناموفق مشاهده نشد. همچنین خرده مقیاس های

انحصارگرایی و هویت خود در بین تیم‌های موفق و کمتر موفق با تیم‌های ناموفق دارای تفاوت معنی‌داری هستند، در حالی که این دو خرده‌مقیاس در بین تیم‌های موفق با تیم‌های کمتر موفق دارای تفاوت معنی‌داری نمی‌باشند.

جدول ۴. نتایج آزمون یومن ویتنی برای مقایسه زوجی خرده‌مقیاس‌های هویت ورزشی بازیکنان در میان تیم‌های موفق، کمتر موفق، ناموفق، ناموفق هندبال لیگ برتر ایران

خرده‌مقیاس‌های هویت ورزشی	عملکرد	میانگین رتبه	یومن ویتنی	سطح معنی‌داری
هویت اجتماعی	موفق	۵۱/۱۱	۷۶۰/۰۰	*۰/۰۴۱
	کمتر موفق	۳۹/۸۹		
	موفق	۴۷/۹۹		
	ناموفق	۳۶/۱۷		
هویت انحصارگرایی	کمتر موفق	۴۳/۱۱	۸۵۰/۰۰	۰/۸۰۵
	ناموفق	۴۱/۷۹		
	موفق	۴۶/۰۶		
	کمتر موفق	۴۴/۹۴		
هویت خود	موفق	۵۰/۲۳	۵۲۹/۵۰	*۰/۰۰۲
	ناموفق	۳۳/۵۸		
	کمتر موفق	۴۹/۲۸		
	ناموفق	۳۴/۶۸		
هویت ورزشی	موفق	۴۳/۸۷	۹۳۹/۰۰	۰/۵۵۱
	کمتر موفق	۴۷/۱۳		
	موفق	۴۷/۹۷		
	ناموفق	۳۶/۱۹		
هویت ورزشی	کمتر موفق	۴۹/۱۳	۵۷۹/۰۰	*۰/۰۰۷
	ناموفق	۳۴/۸۵		
	موفق	۴۷/۲۰		
	کمتر موفق	۴۳/۸۰		
هویت ورزشی	موفق	۴۹/۲۲	۵۷۵/۰۰	*۰/۰۰۷
	ناموفق	۳۴/۷۴		
	کمتر موفق	۴۷/۶۹		
	ناموفق	۳۶/۵۱		

* تفاوت معنی‌داری در سطح $P < 0.05$

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش مقایسه هویت ورزشی هندبالیست‌های لیگ حرفه‌ای ایران و رفتار مربیان آن‌ها براساس عملکرد تیمی در سه رده تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق است تا معین شود که آیا میزان هویت ورزشی بازیکنان و نوع رفتار مربیان می‌تواند بر عملکرد و موفقیت تیم تأثیرگذار باشد. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، بازیکنان تیم‌های موفق (۱۸۵/۳۳)، کمتر موفق (۱۸۰/۹۲)، ناموفق (۱۶۶/۱۱) به ترتیب دارای بیشترین تا کمترین مقدار هویت ورزشی و البته با توجه

به نورم تعیین شده، بازیکنان هر سه رده از میانگین هویت ورزشی نسبتاً بالایی برخوردار هستند. پس با توجه به اینکه ورزشکاران در سطح بالایی از ورزش حرفه‌ای به فعالیت مشغول‌اند، همچنین با استناد بر یافته‌های پژوهش مایلز و کریستنسن (۲۰۰۶) نتایج این پژوهش منطقی به نظر می‌رسد. بالا بودن هویت ورزشی این ورزشکاران بیانگر این است که آن‌ها ارزش خود را بر مبنای عملکرد ورزشی قرار داده و تمایل به

که تفاوت معنی‌داری بین خرده مقیاس‌های هویت ورزشی در بین این سه رده تیم‌ها وجود دارد. این تفاوت معنی‌دار مربوط به خرده مقیاس‌های هویت اجتماعی، هویت انحصارگرایی و هویت خود است و بازیکنان تیم‌های موفق به طور معنی‌داری، از خرده مقیاس‌های هویت اجتماعی و انحصارگرایی بالاتر نسبت به بازیکنان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق بهره برده‌اند. همچنین میزان این دو خرده مقیاس در تیم‌های کمتر موفق به طور معنی‌داری بیشتر از تیم‌های ناموفق است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش هادیان و همکاران (۲۰۱۲) همخوانی دارد.

نتایج تحقیق در زمینه خرده مقیاس هویت اجتماعی نشان می‌دهد که این خرده مقیاس در تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق به ترتیب دارای بیشترین تا کمترین مقدار میانگین است و بین تیم‌های موفق با تیم‌های کمتر موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از آنجایی که هویت اجتماعی باور ورزشکار در مورد این است که دیگران تا چه حد او را به عنوان یک ورزشکار می‌شناسند این طور به نظر می‌رسد که شهری که تیم متعلق به آن است و در آنجا به تمرینات خود می‌پردازد می‌تواند یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری هویت اجتماعی باشد. از آنجایی که سه تیم اول گروه که در زمره تیم‌های موفق لیگ قرار گرفتند، اصفهانی و خراسانی می‌باشند و اینکه هندبال در این استان‌ها سابقه دیرینه دارد و به نوعی این دو استان مهد هندبال کشور محسوب می‌شوند، طبیعی است که هویت اجتماعی بازیکنانی که در این تیم‌ها مشغول به فعالیت هستند، نسبت به بازیکنان تیم‌های دیگر استان‌ها که در گروه تیم‌های کمتر موفق و ناموفق قرار گرفتند به طور معنی‌داری بیشتر باشد. در نقش اجتماعی، هویت ورزشی متأثر از محیط خارج فرد است. بنابراین، میزانی که فرد خود را به عنوان یک ورزشکار تفسیر می‌کند تحت تأثیر خانواده، مربی، دوستان، رسانه و برآورد دیدگاه‌هایشان به خود فرد قرار می‌گیرد (برور، ۱۹۹۳). مثلاً رسانه یکی دیگر از موارد بسیار مهمی است که می‌تواند در تقویت هویت اجتماعی ورزشکاران نقش بسزایی داشته باشد. با بررسی برنامه‌های ورزشی که معمولاً از تلویزیون پخش می‌گردد، این امر کاملاً مشاهده می‌گردد که معدود مسابقات هندبالی که از طریق تلویزیون ایران پخش می‌شود دیدار تیم‌های صدر جدولی لیگ می‌باشد. موارد این چنینی می‌تواند باعث معنی‌دار شدن تفاوت هویت اجتماعی در بین تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق شود.

یافته‌های حاصل از خرده مقیاس انحصارگرایی نشان داد که ورزشکاران تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق به ترتیب

تقویت عزت نفس از طریق هویت ورزشی قوی خود دارند. نتیجه این پژوهش با پژوهش شجاع (۱۳۸۹) همخوانی دارد. بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد، ورزشکاران تیم‌هایی که در جدول رده بندی جزء تیم‌های موفق قرار گرفته بودند در مقایسه با تیم‌های رده کمتر موفق و ناموفق از هویت ورزشی بالاتری برخوردار بودند، همچنین میزان میانگین هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های کمتر موفق نسبت به تیم‌های ناموفق بالاتر بود. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های قبلی گود و همکاران ۱ (۱۹۹۳)، مانسون و همکاران ۲ (۱۹۹۴)، تسیمسکی و همکاران ۳ (۲۰۰۴) جیمز و همکاران (۲۰۱۰) و هادیان و همکاران (۲۰۱۲) که معتقدند برای موفقیت در سطوح بالای ورزشی نیاز به یک حس قوی به عنوان یک ورزشکار از خود می‌باشد همخوانی دارد، در حالی که با نتایج مطالعات بران ۴ (۱۹۹۸) و ویچمن و ویلیامز ۵ (۱۹۹۷) مغایرت دارد. بنابراین با توجه به نتایج این پژوهش و مطالعات صورت گرفته پیشین به نظر می‌رسد میزان هویت ورزشی بالا در بازیکنان احتمالاً از طریق ایجاد انگیزه و نظم لازم تمرین بیشتر، تمرکز بر روی اهداف مرتبط با ورزش، پیشرفت ارتباطات اجتماعی (دنیس، ۱۹۸۳) و ایجاد تعهد در بازیکنان (بایسدن، ۱۹۹۷)، منجر به عملکرد بهتر ورزشکاران و به دنبال آن موفقیت تیم‌ها در لیگ برتر هندبال ایران می‌شود.

از طرفی دیگر می‌توان این احتمال را داد که هویت ورزشی بیشتر به وجود آمده در تیم‌های موفق لیگ برتر هندبال می‌تواند بخاطر عملکرد، رضایتمندی، و موفقیت آن‌ها در پایان فصل رقابتشان باشد. که در این صورت این یافته، پژوهش‌های قبلی برور (۱۹۹۹) را حمایت می‌کند که اظهار می‌دارد هویت ورزشی در نتیجه ناراضی بودن عملکرد ورزشی در طول یک فصل کاهش و در نتیجه راضی بودن از عملکرد افزایش می‌یابد و یک رابطه مثبت بین هویت ورزشی و موفقیت در فصل وجود دارد. به هر حال به نظر می‌رسد برای استدلال قوی این رابطه نیاز است در یک مطالعه طولی در ابتدا و انتهای فصل به مقایسه تغییرات هویت ورزشکاران بر اثر عملکردشان پرداخت.

همچنین نتایج مقایسه خرده مقیاس‌های هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق، نشان می‌دهد

- 1- Good et al
- 2- Matheson et al
- 3- Tasiemski et al
- 4- Brown
- 5- Wiechman & Williams

تفاوت معنی‌داری در این سبک‌ها میان مربیان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق وجود نداشت. این نتایج با نتایج پژوهش‌های گوردون^۱ (۱۹۹۸) و طالی و همکاران (۱۳۹۱) در رفتارهای آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت، بوچر (۲۰۰۳) در رفتار بازخورد مثبت و حمایت اجتماعی و پژوهش حسینی کشتان و همکاران (۱۳۸۹) در رفتار آموزش و تمرین و حمایت اجتماعی، همخوانی دارد. درحالی‌که بوچر (۲۰۰۳) اظهار می‌دارد که سبک آموزش و تمرین بیشتر بوسیله مربیان ناموفق مورد استفاده قرار می‌گیرد، که به نوعی با نتایج این پژوهش ناهمخوان است. همچنین مرادی و همکاران (۱۳۸۵) هم نیز تفاوت معنی‌داری را بین سبک رهبری مربیان تیم‌های موفق و ناموفق بیان نمودند.

با توجه به این نتیجه می‌توان اظهار داشت مربیانی که با به‌کارگیری بیشتر تخصص و توانایی‌های خود در زمینه آموزش و تمرین تکنیک‌ها، تاکتیک‌ها و استراتژی‌های ماهرانه، سبب بهبود عملکرد فردی و تیمی می‌شوند، ورزشکاران را در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌دهند و به روابط بین فردی مثبت با ورزشکاران، توجه به رفاه آن‌ها و ایجاد جو گروهی مثبت، تأکید دارند، همچنین اجراهای خوب ورزشکاران را شناسایی و آن‌ها را مورد تشویق قرار می‌دهند، از طریق بهبود قابلیت‌های فنی و تاکتیکی، ایجاد انگیزه و حالت روانی مطلوب و ایجاد خود کارآمدی بازیکنان، در موفقیت تیم نقش عمده‌ای را ایفا می‌کنند؛ بنابراین مربیان تیم‌های موفق که به میزان بیشتری از سبک‌های رهبری آموزشی، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت استفاده می‌کنند، به نیازهای کلی ورزشکارانشان پاسخ داده و می‌توانند آن‌ها را در صحنه‌های ورزشی درک و با آن‌ها روابط صمیمی برقرار کنند و تمایل ورزشکاران را برای کسب موفقیت هرچه بیشتر در عرصه ورزش فراهم آورند.

نکته ظریف و قابل توجه در یافته‌های مربوط به مقایسه رفتار رهبری مربیان تیم‌ها این بود، که با وجود این‌که در رفتار رهبری آمرانه مربیان تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید، ولی میانگین یافته‌ها نشان می‌دهد که مربیان تیم‌های موفق از این سبک بر خلاف دیگر سبک‌های رهبری به میزان کمتری نسبت به مربیان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق استفاده کرده‌اند. نتایج این یافته با نتایج پژوهش وانگ^۲ (۲۰۰۶) مبنی بر اینکه میان رفتار آمرانه مربیان

دارای بیشترین تا کمترین مقدار بودند. این نتایج نشان می‌دهد تیم‌های موفق ارزشی را که برای عملکرد ورزشی‌شان و اهمیتی را که برای نقش ورزشکار در مقایسه با سایر نقش‌های روزمره زندگی قائل هستند بیشتر از تیم‌های دیگر جدول است و این تفاوت با تیم‌های ناموفق معنی‌دار و با تیم‌های کمتر موفق غیر معنی‌دار بود. شاید یکی از دلایل این نتیجه حرفه-ای‌تر بودن تیم‌های موفق نسبت به تیم‌های ناموفق و تیم‌های کمتر موفق نسبت به تیم‌های ناموفق باشد که باعث می‌شود ورزش به عنوان حرفه اصلی ورزشکاران مهمترین بخش زندگی آنان را تشکیل دهد و ورزشکاران روز خود را طوری برنامه ریزی کنند تا بتوانند به ورزش که قسمت مهمی از زندگی آنان هست بپردازند.

نتایج خرده مقیاس هویت فردی در بین سه گروه تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین تیم‌های موفق و کمتر موفق با تیم‌های ناموفق وجود دارد و به ترتیب تیم‌های کمتر موفق، موفق و ناموفق دارای بیشترین تا کمترین میانگین رتبه هویت فردی می‌باشند. بنابراین نتایج خرده مقیاس هویت فردی نشان می‌دهد که بازیکنان تیم‌های موفق و کمتر موفق نگرش و احساسی که از خود به عنوان یک ورزشکار دارند قوی‌تر از بازیکنان تیم‌های ناموفق است.

در یافته‌های مربوط به مؤلفه‌های تأثیرپذیری منفی و تأثیرپذیری مثبت تفاوت معنی‌داری مشاهده نگردید و این می‌تواند دال بر این امر باشد که هندبالبست‌های لیگ برتر در هر رده‌ای که تیمشان در لیگ قرار گرفته باشد، به هنگام مواجهه با شرایط نامطلوب (کنار گذاشته شدن از تیم، ناتوانی در دستیابی به اهداف ورزشی یا آسیب ورزشی) و شرایط مطلوب (بازی خوب در تمرینات و مسابقات، رضایت از عملکرد خود، دستیابی به قهرمانی) در ورزش عواطف منفی و مثبت را به صورت یکسانی تجربه می‌کنند. این نتایج با یافته‌های هادیان (۱۳۹۱) مبنی بر عدم تفاوت معنی‌دار در خرده مقیاس تأثیرپذیری منفی در بین تیم‌های اول تا سوم مسابقات قهرمانی والیبال آسیا که نشان دهنده این است که در تمامی ورزشکاران مواجهه با شکست و آسیب بسیار سخت و ناگوار است همخوانی دارد.

در بخش دیگر پژوهش نتایج مقایسه‌ای رفتارهای مورد استفاده مربیان در تیم‌های موفق، کمتر موفق و ناموفق، نشان داد که تفاوت معنی‌داری بین رفتار مربیان تیم‌های مختلف وجود دارد و این تفاوت‌ها مربوط به رفتار آموزش و تمرین، حمایت اجتماعی، بازخورد مثبت و دموکراتیک است و مربیان تیم‌های موفق به طور معنی‌داری این سبک‌ها را بیشتر از مربیان تیم‌های کمتر موفق و ناموفق مورد استفاده قرار می‌دهند. البته

1- Gordon

2- Wang

بنابراین پی بردن به راههایی که بتوان افراد را به ورزشکارانی حرفه‌ای (فیزیکی و روانی) تبدیل کرد، کاری ضروری و مهم می‌باشد. مربیان بهتر است در نظر داشته باشند که عوامل روانشناختی و مدیریتی در تیم‌های ورزشی به خصوص تیم‌های حرفه‌ای، به اندازه مسائل فنی بر عملکرد بازیکنان و در نهایت موفقیت تیمی اثر گذار است و این مسئله غیر قابل انکار می‌باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که مربیان تیم‌های پایین جدولی که بازیکنانشان نسبت به بازیکنان تیم‌های بالای جدول از هویت ورزشی پایین‌تری برخوردار هستند، تمرینات را علاوه بر نیاز فیزیکی بر اساس نیازهای روانی به خصوص بعد با اهمیت هویت که با عملکرد و سایر عوامل روانی ارتباط دارد برنامه ریزی کنند.

با عملکرد و موفقیت بازیکنان رابطه منفی وجود دارد، همخوان است.

بنابراین نتایج می‌توان اظهار داشت که استفاده زیاد مربیان از سبک رهبری آمرانه در تمرینات و مسابقات ورزشی به واسطه کاهش روحیه بازیکنان، باعث تضعف عملکرد ورزشی و اثربخشی تیم در این سطح از ورزش هندبال می‌شود، بنابراین به مربیان تیم‌های ورزشی، به ویژه مربیان تیم‌های هندبال لیگ برتر پیشنهاد می‌شود برای هدایت و رهبری ورزشکارانشان بیشتر از سبک‌های رهبری آموزش و تمرین، دموکراتیک، حمایت اجتماعی و بازخورد مثبت و کمتر از سبک رهبری آمرانه استفاده کنند تا بتوانند زمینه موفقیت را برای بازیکنان و تیم فراهم آورند.

به هر صورت آنچه که از یافته‌ها و نتایج این پژوهش و مطالعات پیشین برمی‌آید، هویت ورزشی و رفتار مربی می‌تواند عملکرد بازیکنان و موفقیت تیمی را تحت تأثیر خود قرار دهد.

منابع

- گیل؛ دایان، پویایی‌های روانشناختی در ورزش. ترجمه خواجه‌وند، نورعلی، (۱۳۸۲)، انتشارات کوثر، تهران.
- مرادی؛ محمدرضا، کوزه‌چیان؛ هاشم، احسانی؛ محمد، جعفری؛ اکرم، (۱۳۸۵)، رابطه سبک رهبری مربیان با انسجام گروهی بازیکنان در تیم‌های بسکتبال لیگ برتر باشگاه‌های کشور. نشریه حرکت، شماره ۸، پیاپی ۲۹، صص ۱۶-۵.
- نظریان مادوانی؛ عباس، مختاری دینانی؛ مریم، (۱۳۹۳)، مقایسه اثربخشی رهبری مدیران ورزشی. نشریه پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، شماره ۱ (۵ پیاپی)، صص ۱۱۵-۱۲۶.
- هادیان؛ معصومه، (۱۳۹۱)، بررسی تفاوت هویت ورزشی در بین ورزشکاران ملی پوش رشته‌های ورزشی. پایان‌نامه، دانشگاه تهران.
- Baysden, M. F., Brewer, B. W., Petitpas, A. J., & Van Raalte, J. L. (1997). Motivational correlates of athletic identity. In Annual Meeting of the Association for the Advancement of Applied Sport Psychology, San Diego, CA.
- Brewer, B. W., Van Raalte, J. L., & Linder, D. E. (1993). Athletic identity: Hercules' muscles or Achilles heel?. International journal of sport psychology.
- Brewer, B.W, Shelby, C.L., Linder, D.E. & Petitpas, A.J, (1999). Distancing oneself from
- تهامی؛ گلاره، سجادی؛ سید نصرالله، خبیری؛ محمد، الهی؛ علی رضا، (۱۳۸۹)، رابطه بین سبک رهبری و منبع قدرت مربیان تیم‌های لیگ برتر والیبال کشور از دیدگاه بازیکنان. مدیریت ورزشی، شماره ۷، صص ۴۲-۲۵.
- توکلی؛ محمد حسن، کشتی‌دار؛ محمد، خوشبختی؛ جعفر، (۱۳۹۰)، تأثیر واحدهای تربیت بدنی عمومی ۱ و ۲ بر هویت ورزشی دانشجویان دانشگاه بیرجند. پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۱، صص ۱۰۲-۸۹.
- حسینی کشتان؛ میثاق، رضانی‌نژاد؛ رحیم، محمد پناهی؛ پیام، شفیع کردشولی؛ شهرام، (۱۳۸۹)، تأثیر پویایی گروه و سبک رهبری مربیان بر عملکرد تیمی باشگاه‌های والیبال لیگ برتر ایران. پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۲۷، صص ۱۲۶-۱۰۹.
- حسینی نوروزی؛ رسول، کوزه چیان؛ هاشم، تندنویس؛ فریدون، (۱۳۹۱)، ارتباط بین سبک های رهبری مربیان و انگیزش پیشرفت جودوکاران نخبه ایران. مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۴، صص ۱۷۵-۱۹۰.
- شجیع؛ رضا، سهرابی؛ مهدی، فولادیان؛ جواد، (۱۳۸۹)، مقایسه هویت ورزشی بازیکنان تیم‌های ملی هندبال ایران. نشریه علوم ورزشی، شماره ۲۶، صص ۱۰۴-۸۷.
- طالبی؛ ناهید، عبداللهی؛ فاطمه، (۱۳۹۱)، ارتباط بین رفتار رهبری مربی، انسجام گروهی و عملکرد تیم های والیبال لیگ برتر زنان ایران. مطالعات مدیریت ورزشی، شماره ۱۶، صص ۶۳-۷۸.

- James L, Houle W, Brewer B W, Annette S kluck, (2010). Developmental trends, Athletic identity :A two – part retrospective study. *Journal Sport Behavior*, Vol. 33, ss. 146-159.
- Matheson H, Brewer B W, Van Raalte J L, Andersen B, (1994). Athletic identity of national level badminton players: a cross-cultural analysis. In: Reilly TM, Hughes M, *Intl. J. Sport Std.* Vol., 2 (1), 62-68, 2012.
- Mills, A.L., Christensen, S.A. (2006). Athletic identity and its relationship to sport participation levels. *Journal of Science and Medicine in Sport*. Volume 9, Issue 6, Pages 472-478.
- Ronayne, L. S., (2004). Effects of Coaching Behaviors on Team Cohesion: How Coaching Behaviors Influence - Team Cohesion and Collective Efficacy over the Course of a Season, Miami University. Oxford. OH.
- Ryska TA. (2002). The Effects of Athletic Identity and Motivation Goals on Global Competence Perceptions of Student-Athletes. *Child Study Journal*, 32(2):109-129.
- Stephan, Y., & Brewer, B. W. (2007). Perceived determinants of identification with the athlete role among elite competitors. *Journal of applied sport psychology*, 19(1), 67-79.
- Tasiemski T, Kennedy P, Gardner B P, Rachel An, (2004). Athletic identity and sports participation in people with spinal cord injury”, *Adapted Physical Activity*, Vol. 21, ss. 364- 367.
- Wang, Y. S, (2006). The relationship between coaching leadership behaviors and Taiwanese collegiate Tae Kwon Do competitors’ satisfaction. Unpublished doctoral dissertation. University of the Incarnate Word, San Antonio, Texas.
- Wiechman S A, Williams J, (1997). Relation of athletic identity to injury and a poor season: Divestment of athletic identity. *Journal of Personal and Interpersonal Loss*, 4, 149-162.
- Brown, C, (1998). Athletic identity and career maturity of male college student athletes”. *International Journal Sport Psychology*, Vol. 29, ss. 17- 26
- Bucher, J.P., (2003). *Leadership Styles of Female Collegiate Field Hockey Coaches*, Eugene, OR : Kinesiology Publications. University of Oregon.
- Chelladurai P, Saleh SD, (1980). Dimensions of Leader Behavior in Sports: Development of Leader Scale. *Journal of Sport Psychology*, 2:34-35.
- Cieslak II, T. J. (2004). Describing and measuring the athletic identity construct: Scale development and validation. (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- Danish, S. J. (1983). Musings about personal competence: The contributions of sport, health, and fitness. *American Journal of Community Psychology*, 11(3), 221-240.
- Erikson, E. H. (1994). *Identity: Youth and crisis*. (No. 7). WW Norton.
- Good A J, Brewer B W, Petitpas A J, Van Raalte J L, Mahar M T, (1993). Identity foreclosure, athletic identity, and college sport participation”. *The Acad Athletic Journal*, Vol. 8, ss. 1-12.
- Gordon, J., (1988). Decision Styles and Coaching Effectiveness in University Soccer. *Canadian Journal of Sport Sciences*, 1, 56-65.
- Hadiyan, M., Niliahadabadi, Z., & Hemayattalab, R. (2012). Athletic Identity Differences in Winners of Asia Volleyball Competitions (2011). *International Journal of Sport Studies*, 2(1), 62-68.
- Heerden, V. Kirsten (2010) Psychological and demographic correlates of athletic identity in elite South African swimmers. *Journal Psychology*, 10, 422-478.

mood disturbance. Journal Sport Behavior,
Vol. 20, ss 199

